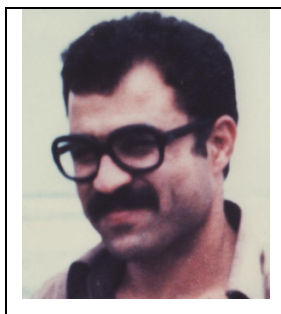


رفیق علی مهدی زاده ولوجردی



رفیق علی مهدی زاده ولوجردی (منوچهر) در یک خانواده رحمت کش در سال 1324 متولد شد. وی از همان اوان جوانی - حدود سال 1339 - مبارزه اش را در جبهه ملی آغاز کرد، و به همین مناسبت نیز در سال 1341 مدتی بازداشت شد. علی در

جستجوهای انقلابی اش که در جهت تضمین منافع توده ها بود، به سلاح دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم مجهز شد، از آن پس برای ترویج و تبلیغ مارکسیسم انقلابی، نقش فعالی به عهده گرفت. وی در شکل دادن بعضی از محافلی که از سال های چهل به بعد به همین منظور پا گرفته بود، پی گیرانه شرکت داشت. و از زمره کمونیست هایی بود که تشکیلات " ستاره سرخ" را بنیان نهادند و در گسترش آن نقش تعیین کننده داشتند. رفیق علی در همین رابطه و تداوم مبارزه انقلابی خود، در سال پنجاه دستگیر شد. او زیر شکنجه های دژخیمان ساواک سرسختانه مقاومت کرد و لب از لب نگشود. در جریان دادگاه گروه، به منظور گم راه کردن و بستن دست رژیم از اعدام رفقای همچون علیرضا شکوهی که خطر اعدام تهدیدشان می کرد، به ابتکار و پیش نهاد علی، همه متهمین بدون توجه به سطح پرونده شان، دفاع ایدئولوژیک کردند. این طرح در بی دادگاه رژیم با موفقیت اجرا شد که حاصل آن ده سال زندان برای علی بود.

همه آنها که از سال پنجاه در زندان های تهران زندانی بودند، جسارت انقلابی و روحیه قوی علی را به خوبی می شناسند. رفیق از جمله کسانی بود که در سازمان دهی مقاومت زندان نقش قابل تحسینی داشت و به همین جرم نیز مدتی از زندان تهران به زندان تبریز تبعید شد. علی در سخت ترین و سیاه ترین شرایط زندان همواره مسلط و پرتوان در جهت فعال کردن زندان، سازمان دادن آن و ایجاد یک فضای انقلابی نقش فعالی داشت. وی بی گمان جزئی از مقاومتی بود که ساواک را به زانو درآورد. او یکی از بنیان گذاران " سازمان راه کارگر" بود و در تمام پروسه شکل گیری نظری و تشکیلاتی آن، شرکت داشت.

به دنبال مبارزات توده ها در آستانه قیام و باز شدن در زندان ها، علی نیز همچون سایر فرزندان انقلابی خلق از زندان رها شد و بلافاصله به جنبش انقلابی پیوست و

در قیام، با تمام وجود خود شرکت کد و در سازمان دهی مبارزات توده ها با همه قدرت خود کوشید. رفیق علی کادر برجسته جنبش کمونیستی و یکی از چهره های افتخار آفرین سازمان ما بود. وی با شور و علاقه انقلابی و مسئولیت پذیری کمونیستی، وظایف مختلف تشکیلاتی را به انجام می رساند و برای پیش برد آن لحظه ای درنگ نداشت. تداوم بی وقفه این مبارزه انقلابی منجر به بازداشت وی در تاریخ دهم فروردین شصت و دو گردید. این بار نیز علی با مقاومت انقلابی و اراده کمونیستی خود، همه تلاش شکنجه گران رژیم فقها را - که هارتر از سلف خود بودند- بی ثمر گذاشت و از میان آوار شکنجه و فشار، سرفراز بیرون آمد.

سرانجام در تاریخ هفتم آبان شصت و دو علی مهدی زاده که تمام طول زندگی خود را وقف انقلاب کرده بود، بلبشویک وار رو در روی جوخه اعدام سینه سپر کرد و به خاک افتاد. و به این وسیله تا واپسین دم حیات، به تعهدش نسبت به طبقه کارگر و زحمت کشان استوار ماند. چیزی که هیچ گاه از یادها نخواهد رفت، بی پیرایگی کمونیستی و صفای این فرزند وفادار خلق بود ...

اکنون از علی پسری به جای مانده است که خود با یاد کرامت دانشیان، نام او را کرامت گذاشته بود. بی گمان کرامت جز راه کرامت و علی نخواهد رفت. چنین باد!

وصیت نامه رفیق:

علی مهدی زاده ولوجردی، فرزند حسین، شماره شناسنامه 1008 متولد 1324 با درود به همگی عزیزانم، اکنون که زندگی را بدرود می گویم، آرزوی سلامتی و موفقیت همگی شما را دارم، بابت من هم نگران و ناراحت نشوید، من از زندگی گذشته خودم تا این لحظه راضی هستم، امیدوارم شما هم از من راضی باشید. همسر عزیزم و پسر من شما هم از من ناراضی نباشید (اسم همسر) عزیزم می دانم همیشه باعث دردسرت بودم. انتظار دارم صبور باشی، پسر من را خوب تربیت کنی. در این مود یادت باشد بچه احتیاج دارد که در میان هم سالان خود باشد، پس سعی کن او را به مهد کودک بفرستی، به او خوب رسیدگی کن، سعی کن هیچ گاه عصبانی نشوی، می دانم بدون من فشار زندگی ترا ناراحت می کند، اما یادت باشد این فشارها نایبستی متوجه پسرمان بشود. خوب زندگی کن، سعی کن انسان مفیدی باشی، از خانواده ات به خاطر تمام زحماتشان تشکر کن و به خاطر تمامی

زحمات، عذرخواهی مرا به آنها برسان. به خصوص پدر و مادرت را که بسیار مورد
علاقه ام بودند

دوستدار همگی شما بوده و هستم و می دانم همیشه در قلب همگی شما جا
دارم، همان طور که شما همیشه در قلب من جا داشتید. بخصوص (نام همسر)
عزیزم، تو که همیشه دوستدارت بوده ام و تو کرامت (پسرش) عزیزم که تا آخرین
لحظه عکس زیبایت زندگی شیرین و همه لحظات آن را در تمامی وجودم جاری می
ساخت. این را بدانید من همیشه زنده ام و همیشه با شما خواهم بود

آنها به عنوان یادگار من به همسرم تعلق دارد، تنها یک تسبیح از هسته خرما
ساخته شده که به برادرم (نام برادر) تقدیم می دارم. البته شرمنده او هستم، چون
همیشه باعث زحمت و دردسر او بوده ام.

پدر و مادرم، (اسم برادر)، (اسم برادر)، (اسم خواهر) روی همه شان را می
بوسم، به همسرانشان درود می فرستم و بچه ها را می بوسم (اسم همسر) روی
تو را می بوسم و دست تو را می فشارم. کرامت عزیزمان را می بوسم.

(نام پدر زن) و (نام مادر زن) را درود می فرستم و می بوسم. خدمت برادران
(نام همسر) و خواهران او درود می فرستم و آرزوی سلامتی همگی را دارم. خلاصه
خدمت تمامی خاله ها و دایی ها و فامیل خودم و همسرم سلام و درود دارم.

این برگ در 19 سطر تنظیم شد که به منزله وصیت نامه من در تاریخ 62/8/7 ...
ثبت شد. ارادتمند همگی: علی مهدی زاده ولوجردی 62/8/7 امضاء